



جشنهای 2500 ساله شاهنشاهی نشان دهنده طرز تفکر نادرست شاه بود/ولخرجیهای دیربایان از بیت المال

اوج شکوه و جلال سمبلیک شاه، در جشنهای 2500 ساله شاهنشاهی متجلی شد، این مراسم گسترده، پرخرج و باشکوه که به منظور پیوند دادن هر چه بیشتر تاریخ ایران با دوران باستان بر پا شد، نشان دهنده طرز تفکر نادرست شاه بود.

خبرگزاری مهر - اوج شکوه و جلال سمبلیک شاه، در جشنهای 2500 ساله شاهنشاهی متجلی شد، این مراسم گسترده، پرخرج و باشکوه که به منظور پیوند دادن هر چه بیشتر تاریخ ایران با دوران باستان بر پا شد، نشان دهنده طرز تفکر نادرست شاه بود. بخشی از حیف و میلهای بیت المال رژیم شاه، مربوط به اسراف و ولخرجی در کارهای بیهوده و تبلیغاتی بود، برگزاری مراسم و جشنها و صحنه سازیهای تبلیغاتی رژیم پهلوی از این گونه است که عمده جهت جبران کمبودها و نقصهای اساسی سلطنت و نیز جبران احساس بی اعتمادی و ناامنی درونی خود شاه برگزار می گردید. این جشنها و مراسم بی محتوا که مردم را سرگرم می ساخت، موجب اسراف و ولخرجی زیادی می شد.

اوج این مراسم در جشنها بین سالهای 55 1345 است که دهه جشنهای شاه نام گرفت، (1) سال 1345 جشن بیست و پنجمین سال سلطنت شاه، سال بعد، جشن تاجگذاری و سال 1350 جشنهای دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی با آن همه مخارج و هزینه های هنگفت (2) برگزار شد. طی مدت بیش از چهار سال، قسمت اعظم کار سازمانهای دولتی، اختصاص به آمادگی مقدمات این جشنها داشت، سال 1350، سال کوروش نام گرفت و یک سال تمام آرم این جشنها در همه جا و روی همه چیز وجود داشت.

حسنین هیکل در مورد این مراسم و جشنها می نویسد: شاه با عهده گرفتن نقش یک فرمانروای مطلق و مستبد در سرزمین تقدیر، دچار یک جنون عظمت شده بود، (3) اولین نشانه سمبلیک این شکوه و جلال جدید، مراسم تاجگذاری او بود. این مراسم چنان باشکوه بود که هیچ یک از تاجهای خزانه سلطنتی ارزش این مراسم را نداشت و لذا شاه دستور داد که تاجهایی توسط جواهر سازی «کارتیه» ساخته شود. حدود 3380 جواهر در تاج شاه و مقدار کمتری نیز در تاجهای فرح و ولیعهد به کار رفته بود.

اوج شکوه و جلال سمبلیک شاه، در جشنهای 2500 ساله شاهنشاهی متجلی شد، این مراسم گسترده، پرخرج و باشکوه که به منظور پیوند دادن هر چه بیشتر تاریخ ایران با دوران باستان بر پا شد، نشان دهنده طرز تفکر شاه در این برهه است. (4) در این جشنها، 9 پادشاه، 5 ملکه، 21 نخست وزیر و پرنس و تعدادی از رؤسای جمهوری و معاونان رئیس جمهور و نخست وزیر، از کشورهای مختلف جهان حضور داشتند. علاوه بر این عده ای از صاحبان امتیاز و سردبیران روزنامه ها، تاجران اسلحه و سرمایه داران هم از سوی شاه دعوت شده بودند.

به منظور برگزاری این جشنها، شهری با گرانبهاترین تزیینات در کنار تخت جمشید بنا شد، حسنین هیکل که گویا آغاز مراسم را درک کرده، اعتراف می کند که از جهت زشتی و وقاحت تقریباً مضحک بود. (5) جلال الدین مدنی از آن به عنوان یکی از مضحک ترین اقدامهای قرن (6) و منوچهر محمدی آنرا به عنوان بزرگترین نمایش عصر (7) نام می برند.

آن گونه که هیکل می نویسد، تهیه غذا و آذوقه این مراسم به عهده رستوران ماکسیم گذاشته شده بود و کوههای خاویار و دیگر غذاهای لذیذ به مصرف می رسید. تجهیزات مورد نیاز برای تهیه و ادامه این خوشگذرانی فوق تصور بود، (8) نیروگاههای متعدد برق برای تأمین برق یخچالها و واحدهای تهویه مطبوع، تلفنها، تلویزیونها، وسایل حمل و نقل وغیره در بیابان بر پا شده بود.

میزان هزینه این جشنها هیچ گاه معلوم نشد، ولی عمده بودجه مملکت، ظرف چند سال در این راه به کار رفت و بسیاری از امور عادی کشور معوق ماند. علاوه بر بودجه دولت، برخی از سرمایه داران بخش خصوصی نیز در این مورد به دولت کمک کردند. (9) حسنین هیکل، هزینه این مراسم سه روزه را برای ملت ایران 120 میلیون دلار (10) و منابع دیگر، رقم 500 میلیون دلار را ذکر می کنند. (11) اما این جشنها پایان ماجرا نبود، سال 1351، سالگرد همین جشنها را جشن گرفتند، چند ماه بعد، جشنهای نخستین دهه انقلاب سفید را بر پا داشتند و بعد از آن نوبت به جشنهای پنجاهمین سال سلطنت پهلوی رسید که آرم، برنامه، بودجه و سازمان آن خیلی مفصل بود. جشنها همچنان ادامه داشت و یکی پس از دیگری از راه می رسید. همه اینها غیر از جشنهای عادی سالیانه بود که به مناسبت ایام تولد و ازدواج اعضای خاندان سلطنتی بر پا می شد و طی سالها، مدارس و ادارات به تعطیلی آنها عادت داشتند. (12) اما این همه تجمل و تشریفات و تفریح و مسافرتها خارج، کافی نبود و شاه می خواست جزیره کیش را به مونت کارلوی حاره ای ایران تبدیل کند که سلطنتش کفاف نکرد. به طور خلاصه باید گفت که این دوره، دوره اوج خوشی و خوشگذرانی شاه و خاندان سلطنتی بود.

شاه با این مراسم و جشنها، خود را در اوج قدرت و سلطانی بلا منازع می دید که جبران ضعف شخصیتی و نامشروع بودن سلطنتش را می کرد. هیکل با اشاره به جلال و جبروت شاه در این مراسم، می نویسد: شاه میهمانان خود را با انواع برنامه ها

سرگرم کرده و اینکه با احساس حلول روح کوروش و داریوش در خود، آن احساس ناامنی سابق را جبران می کرد. (13) اما همین جشنها و مراسم را سرآغازی بر سقوط سلطنت در ایران دانسته اند، (14) زیرا تضاد بین شکوه و عظمت این جشنها، و فقر و فلاکت اکثریت ملت ایران را به وضوح نشان داد و حربه ای تبلیغاتی و سوژه ای برای اعلام نارضایتی به دست مخالفین داد.

در مورد فساد اقتصادی درباریان و کارگزاران رژیم پهلوی، حضرت امم خمینی(ره) در سخنرانی مورخ 4 آذر 1357 خویش در پاریس می فرمایند: «من خواندم این را یا در یک چیز بود که برای من خواندند - این را که یک ویلایی برای خواهر شاه یک کدام از این خواهرانش(15) یک ویلایی خریده اند به چه قیمت، آن را من یادم نیست اما نوشته بود که 6 میلیون دلار خرج گلکاری آن جا شده! یک همچون ویلایی از پول کی؟ ما که رضاخان را می شناختیم، وقتی که آمد این جا یک آدمی لختی بود.(16)»

منصور رفیع زاده آخرین رئیس شعبه ساواک در آمریکا در کتاب خاطرات خود پیرامون جشن هنر افسانه ای شاه در تخت جمشید شیراز که به مناسبت نظام 2500 ساله شاهنشاهی در ایران برگزار گردید، می نویسد: «یک لیست کامل از بخش خریده های ساواک به دست آوردم که براساس آن کار طبخ اغذیه جشن، به رستوران ماکزیم در پاریس محول شد. تزئین 59 چادر میهمان ها و 3 چادر سلطنتی که همگی مجهز به تهویه مطبوع بودند، در صحرا به عهده شرکت فرانسوی جانس در پاریس گذارده شد. این شرکت مسئولیت دکور مجدد کاخ سفید برای ژاکلین کندی را نیز بر عهده داشت. مبل ها از نوع لویی XV، حمام ها از سنگ مرمر فرانسوی، شعمدان ها لیموگیس چینی و ظروف کریسالی باکارات بودند.(17)

برای این جشن ها 165 پیشخدمت زن و مرد، 25 متخصص زیبایی (زن و مرد)، 1500 کلاه گیس مردانه، 300 نیم کلاه گیس، 400 جفت مژه و لباس های فرانسوی در نظر گرفته شد. طبق گزارش 15 اکتبر 1971 (1350) مجله تایم 3/5 تن کره و پنیر، نیم تن خامه، 250 بطری شراب، معادل 840.000 دلار لامپ های رنگی و فرش و قالیچه برای تمامی چادرها، محوطه سازی که شامل چند هزار قطعه فضای سبز و چند هزار تاج گل می شد، همه توسط نیروی هوایی ایران از پاریس به ایران آورده شده بود. تأمین اجناس و اشیای این مراسم، بازرگانان پاریسی را که تهیه همه چیز را بر عهده داشتند، یک سال تمام مشغول کرد. پروازهای دوبار در ماه هواپیما و ستون کامیون ها کلیه اقلام مورد نظر را از پاریس به صحرا حمل نمودند. یکی از خلبانان ایرانی به من گفت من با هواپیما به اندازه یک سال پرواز فرش و کریستال و مشروب و سنگ مرمر برای حمام ها حمل و نقل کرده ام.

هر چند فرش ایران در دنیا از شهرت چند صدساله برخوردار است، تمامی فرش های مورد نیاز چادرها به فرانسه سفارش شده بود. مطابق گزارش مجله تایم لیست خرید ماکسیم 2500 بطر شراب (از جمله شراب های منطقه شاتو در فرانسه به قیمت یکصد دلار بابت هر شیشه) را در بر می گرفت که یک ماه قبل از مراسم به ایران ارسال شده بود. مدتها قبل از جشن، شاه به ساواک دستور داده بود جلوی درز هر گونه خبری در مورد هزینه های گزاف و ولخرجی هایش را مخصوصاً به روزنامه های نیویورک و لوموند بگیرد. تنها غذای ایرانی که در این جشن مورد استفاده قرار گرفت خاویار دریای خزر بود.

در یکی از سفرهایم به تهران، تیمسار مقدم رئیس ساواک به من گفت: اگر از ارقام نجومی خرج ها و دزدی هایی که برای تدارک این جشن ها در جریان است مطلع شوی مغزت داغ می شود. مجموع این جشن 300 میلیون دلار برآورد شد، اما مسلماً هزینه های واقعی به مراتب بیش از مبلغ فوق بود، زیرا عمده مخارج به گردن وزارتخانه های مختلف بود و هیچ یک از وزرا جرأت مطرح نمودن آن را نزد شاه نداشتند. همچنین تمامی سازمان های دولتی و شرکت های خصوصی موظف بودند مبالغی را به برگزاری این جشن اختصاص دهند. طبق یک برآورد تقریبی، توسط شاه 800 میلیون دلار در این جشن هزینه شد.»

اینها نمونه های کوچکی از هزاران مورد مفاسد اقتصادی دوران رژیم پهلوی بود. اما به برکت پیروزی انقلاب اسلامی به این تباهی ها پایان داده شد. بدین ترتیب حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی از بین توده مردم معمول جامعه و نه از قشر سرمایه دار برگزیده شدند و عرصه بر سرمایه داران زورمند و ستمگر تنگ گردید. با نگاهی گذرا به زندگی شخصیت و رهبران و مسؤولین تراز اول جامعه، به خوبی نشان می دهد که اکثریت قاطع آنها از اقشار معمولی و عادی جامعه بوده و به صنف سرمایه داران بزرگ تعلق نداشته اند. به برکت این پیروزی مفاسد اقتصادی و تاراج بیت المال به شدت کاهش یافت. البته ما مدعی نیستیم که پس از انقلاب اسلامی به هیچ وجه مفاسد اقتصادی وجود نداشته است. اما در این مورد باید به دو نکته توجه داشت.

اول اینکه در دوران رژیم پهلوی، غارت و تاراج بیت المال و سوء استفاده های کلان در بین مقامات مملکتی یک اصل کلی بود و به شکل گسترده ای رواج داشت و سلامت اقتصادی در بین آنها استثناء محسوب می شد، اما در دوران پس از پیروزی انقلاب موضوع کاملاً برعکس شد. یعنی سلامت اقتصادی گسترش یافته و یک اصل شد و سوء استفاده مالی و مفاسد اقتصادی حالت استثناء به خود گرفت.

نکته دوم این که انقلاب اسلامی ایران پایان دادن به حاکمیت سرمایه داران و مفاسد اقتصادی را به عنوان یک دستاورد به ارمغان آورد. در دهه اول پس از انقلاب این امر به خوبی مشهود و ملموس بود، اگرچه متأسفانه از دهه دوم به بعد به تدریج شاهدیم که در اثر اهمال و مسامحه دست اندرکاران مربوطه، مفاسد اقتصادی و حاکمیت سرمایه داری عرصه را برای ظهور و رشد خود فراهم دیده است.

پی نوشتها:

1- سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ص 128

2- رجوع شود به کلر بربر و پیر بلانشه، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صفوی، صص 10، 8، به نقل از: مدنی، همان، ص

128. 129

3- حسنین هیکل، پیشین، ص 171. 172

4- محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص 68.

5- حسنین هیکل، پیشین، ص 171. 172

6- جلال الدین مدنی، پیشین، ص 129.

7- منوچهر محمدی، پیشین، ص 68.

8- محمد حسنین هیکل، پیشین، صص 172. 173

9- جلال الدین مدنی، همان، صص 129. 130

10- حسنین هیکل، همان، ص 173.

11- احمد فاروقی و ژان لوروریه، ایران بر ضد شاه، ترجمه مهدی فراقی، (تهران: امیر کبیر، 1358)، ص 41.

12- جلال الدین مدنی، اسامی و مناسبت‌های تعطیلی ایام سال را که فقط به تولد و ازدواج خاندان پهلوی اختصاص داشت، در

مجموع 24 مورد ذکر کرده است. رجوع شود به: مدنی، پیشین، صص 130. 131

13- حسنین هیکل، پیشین، ص 176.

14- منوچهر محمدی، پیشین، ص 86.

15- منظور شمس خواهر بزرگتر شاه است که در منطقه مهردشت کرج با کمک بزرگترین معماران انگلیسی، قصری افسانه ای به

نام مروارید بنا نهاد که انبوهی از گیاهان و درختان زیبا آن را آراسته بود.

16 - معماران تباهی، ج 3، ص 431.

17 - خاطرات منصور رفیع زاده آخرین رئیس شعبه ساواک در آمریکا، ص 230 تا 237